

Social History Studies, Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)

Biannual Journal, Vol. 13, No. 2, Autumn and Winter 2023, 291-313

<https://www.doi.org/10.30465/shc.2023.44604.2444>

Silent activists and the field of politics:

Examining the role of women in the national oil movement

Robabeh Motaqedi*

Abstract

This research deals with the representation of the role of women in the oil nationalization movement until the August 28 coup in the years 1329 to 1332 and tries to investigate the participation and efforts of women as part of the society during the oil nationalization movement. The main concern of the research is finding an answer to the question, "How did women react to the process of nationalization of oil?" "The first hypothesis is that, as some sources have written, women were passive and behind the scenes, and did not take a role in the oil nationalization movement. But the second assumption is the opposite of the first assumption, and that is that women were actively present in this process; But historians and researchers have ignored and marginalized them for various reasons. The method used in this research is descriptive-analytical and the researcher proved the role of women in the oil nationalization movement by relying on archival documents. According to the findings of this research, despite Mosaddegh's government's lack of respect for their demand to have the right to vote, women stayed with the government and the parliament and worked side by side with men in school and university, in factories, in offices and on the street in the path of oil nationalization.

Keywords: women, nationalization of oil, history from below, social history, archival documents

* Assistance professor of history, The National Library and Archives of Iran, Iran, Tehran,

robabe.motaghedi@gmail.com

Date received: 10/03/2023, Date of acceptance: 26/06/2023



کنشگران خاموش و میدان سیاست:

زنان در جنبش ملی نفت

ربابه معتقدی*

چکیده

این پژوهش به بازنمایی نقش زنان در جنبش ملی شدن نفت تا کودتای ۲۸ مرداد در سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ می‌پردازد و می‌کوشد تا مشارکت و چگونگی تلاش زنان به عنوان بخشی از جامعه در جریان نهضت ملی شدن نفت را بررسی کند. دغدغه اصلی پژوهش یافتن پاسخی برای این سوال است که «زنان چه واکنشی به جریان ملی شدن نفت نشان دادند؟». در یک کلان روایت زنان با توجه به پذیرفتن نقش درجه دوم در حقوق شهروندی خانه نشین، منفعل و در پرده بودند و نقشی در جنبش ملی شدن نفت بر عهده نداشتند. اما در روایت رقیب، بر آن است که زنان در این جریان حضور فعال داشتند؛ اما مورخان و پژوهشگران بنا به دلایل گوناگون اشکال آشکار و پنهان حضور آنان را مورد توجه قرار نداده و در نتیجه روایت نکرده اند. روش بکارگرفته شده در این تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و پژوهشگر به اثبات نقش زنان در جنبش ملی شدن نفت با اتکا بر اسناد آرشیوی پرداخته است. بر اساس یافته‌های این تحقیق زنان با وجود کم مهری دولت مصدق به خواسته آنان، مبنی بر برخورداری از حق رای، در کنار دولت و مجلس ماندند و همپای مردان، در مدرسه و دانشگاه، در کارخانه‌ها، در ادارات و خیابان در مسیر ملی سازی نفت ضمن حضور اجتماعی، به ایفای نقش های چندگانه پرداختند.

کلیدواژه‌ها: زنان، ملی شدن نفت، تاریخ از پایین، تاریخ اجتماعی، اسناد آرشیوی.

* استادیار تاریخ پژوهشکده اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران، robabe.motaghedi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۵



۱. مقدمه

بسیاری از تاریخ نگاران و حتی فون رانکه بر این باور بودند که تاکید بر مطالعه‌ی آرشیوها، به وضوح تاریخ فضای خصوصی و زنانه را از تحلیل تاریخی خارج کرد و به معنی شکل دادن رشته‌ی تاریخ و تاریخ نگاری ای بود که پیرامون روایت‌های شهروندی و وظایف عمومی مردانه شکل می‌یافت. تلاش برای به روایت کشیدن آنچه واقعا اتفاق افتاده است، فعالیت‌های مردانه را که در چهره‌ی عمومی تاریخ ظاهر شده بود، پررنگ می‌کرد. فون رانکه تاریخ را مردانه می‌خواند. او اگر چه بر بی‌طرفی تاکید داشت اما آنچه در آرشیوها می‌دید و می‌خواند تاریخ نخبه‌گرای مردانه بود.^۱ زنان در متن اسناد و مدارک سیاست ورزان و دولتمردان و نخبگان سیاسی ناپیدا بودند. فون رانکه همچنین بر عینیت تاریخ اصرار می‌ورزید، به نگاه او آنچه عینیت داشت و اثبات پذیر بود، می‌توانست تاریخ خوانده شود و از آنجا که زنان در آرشیو دیده نمی‌شدند، پس عینیت نداشته‌اند و در نتیجه از تاریخ کنار گذاشته شده‌اند. شیلا روبرت بوتام (Botham Robert Sheila) مورخ انگلیسی با انتشار کتابی تحت عنوان «Hidden from History» به تاثیرگذاری زنان در تحولات تاریخ قرن هفده تا بیست پرداخت و به نادیده گرفتن زنان در تاریخ اعتراض کرد (Rowbotham, Sh: 1976) بعدها گایاتری اسپیواک (Spivak Chakravorty) نیز اگر چه زمینه مطالعاتش ادبیات بود، پرسشی مشابه داشت: «آیا فرودستان می‌توانند سخن بگویند؟» (Spivak 2018). در تاریخ ایران نیز ولتاین مقدم و سیمین فصیحی و بسیاری دیگر بر این باورند که زنان نادیده گرفته شده‌اند و حتی زنان توده و عادی بیش از زنان نخبه مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند. (فصیحی ۱۳۸۹: ۱۶۵-۱۴۷).

این که زنان از ارزش گذاری و احترام و درآمد کمتر نسبت به مردان برخوردار بوده‌اند، موضوع این مقاله نیست. پرداختن به تقسیم کار پنهان و تفاوت در موقعیت‌های اجتماعی و دسترسی به منابع و آگاهی سیاسی زنان نیز به عنوان موضوعی بسیار با اهمیت؛ می‌تواند دستمایه و پرسش یک پژوهش مستقل دیگر باشد. فارغ از پرداختن به حضور زنان در تشکلهای حزبی، در این مقاله به نقش و مشارکت پذیری زنان بطور عام در جنبش ملی شدن نفت؛ پرداخته خواهد شد تا روشن شود که علی‌رغم نابرابری جنسیتی در برخورداری از حقوق سیاسی، گروه زنان در کجای این حکایت ایستاده بودند. بنابراین با نگاهی نقادانه به الگوی فون رانکه در بررسی یک رخداد پیش خواهیم رفت.

بستر مطالعات و پژوهش؛ اسناد و اطلاعاتی است که در آرشیو نگهداری می‌شود. همانطور که قابل تصور است، کنش‌گران سیاسی که در ابعاد مختلف این رخداد سیاسی در جبهه‌ی

کنشگران خاموش و میدان سیاست: زنان در جنبش ملی نفت (ربابه معتقدی) ۲۹۵

موافق یا مخالف قرار دارند و در متون و اسناد دیده می شوند، بطور معمول مردان هستند. حال اگر به اسناد بجا مانده از مردم عادی و فرودست بنگریم، نه به اسناد و نامه‌های سیاسی و خصوصی دولتمردان همچون قوام السلطنه و مصدق و حسین مکی و ... که در جایگاه نخبه‌گان ایستاده اند، چه عایدمان خواهد شد؟ برای نمونه تلگراف‌ها و نامه‌های اعتراضی مردم کوچک و بازار و راپورت‌های ماموران شهربانی و .. را جستجو کنیم، چه می بینیم؟ نتیجه کاملاً متفاوت خواهد بود.

در تاریخ نگاری مدرن گمان بر این است که ردپای زنان در تاریخ سیاسی نیست، از آن رو که رخدادهای سیاسی حوزه کنش آنان نبوده است و اگر در پی تاریخ زنان هستیم، شاید بهتر است در تاریخ فرهنگی و تاریخ اجتماعی جستجو کنیم. امروز می توان ادعا کرد که اگر در پی رد پای زنان و صدای زنان در حوزه تاریخ اجتماعی و تاریخ فرهنگی و حتی در بستر تاریخ سیاسی هستیم، آن را در اسناد و مدارک آرشیوی خواهیم یافت.. شاید این بهترین راهی ست که بتوان زنان را به متون تاریخی برگرداند.

۲. پیشینه تحقیق

پس از انقلاب مشروطه، ملی شدن نفت بزرگترین حرکت اعتراضی است که در تاریخ ایران با آن روبرو هستیم. موجی که در سالهای پایانی دهه بیست و اوایل دهه سی شمسی در مقابل زیاده خواهی و رفتار سودجویانه شرکت نفت انگلیس و ایران به جریان افتاده و به ملی شدن نفت منتهی شد. نیروهای طرفدار جبهه ملی به جلوداری دکتر مصدق و همراهی دکتر فاطمی و حسین مکی و بسیاری دیگر در کنار چهره‌های اثرگذار مذهبی مثل آیت‌الله کاشانی و شمس قنات آبادی و ... و البته با همراهی مطبوعات و نخبگان در روند این جریان تاثیرگذار بودند. اما آنچه غیرعامدانه به فراموشی سپرده شده یا کمتر به آن پرداخته شده است، نقش مردم است. مردم در روایت های مختلف مورخان از ملی شدن نفت، به حاشیه رانده شده‌اند و در این میان زنان بیش از باقی مردم مهجور مانده اند. منابع و مقاله‌هایی هم که به نقش زنان نیم‌نگاهی انداخته اند، تنها گروه موسوم به روسپیان همراه با شعبان جعفری در کودتای ۲۸ مرداد (سرشار ۱۳۸۱: ۴۲۹) و نیز جماعات زنان عضو حزب توده را دیده اند.

خوشبختانه آرشیوهای اسناد و مطبوعات در این شفاف‌سازی نقش ویژه دارد. با کمک اسناد می توان به اصلاح و راستی‌آزمایی واقعه‌های تاریخی پرداخت و سره و ناسره را از هم باز

شناخت. بسیاری از گوشه‌های تاریخ که در کتابها نادیده گرفته شده است با کمک این مدارک بازنمایی خواهند شد.

در میان اندک منابعی که به موضوع زنان در دوره مورد نظر این پژوهش پرداخته اند باید از «پژوهشی جامعه شناختی درباره نقش و مشارکت زنان در جنبشها و تحولات اجتماعی ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی» نام برد. یافته نهایی این رساله در یک جمله چنین است: «نقش زنان در تحولات عصر مشروطه کاملاً فعال و کنش‌مند بوده است در حالی که در تحولات دوره پهلوی و خصوصاً جنبش ملی‌شدن صنعت نفت نقش فعالی نداشته‌اند.» (حاجیان، ۱۳۷۹). کتابی با عنوان نقش سیاسی اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران نوشته مرتضی شیروودی که مفصلاً به زنان در دوره‌های پس از مشروطه تا انقلاب اسلامی پرداخته است در چند سطر به اصرار زنان در گرفتن حق رای در این دوره پرداخته است. (شیروودی ۱۳۸۶: ۶۸). همچنین مقاله «پیش‌تازان جنبش، معترضان خاموش: سیری در نقش اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران» نوشته عمادالدین باقی به نقش زنان در رخدادهای تاریخی از جنبش تنباکو تا ملی‌شدن نفت پرداخته است. اما این مقاله نیز در دوره ملی‌شدن نفت فقط نقش زنانی را می‌بیند که در حزب توده فعال بوده و تحت رهبری حزب فعالیت می‌کردند (باقی ۱۳۸۳). نویسنده کتاب *Women and Politics in Iran* نیز که به تاریخ زنان از مشروطه تا پس از انقلاب اسلامی پرداخته است، تنها در دو سه صفحه به زنان در دوره نخست وزیری مصدق و منحصر به موضوع حق رای زنان پرداخته است. این منبع نیز به نقش زنان در ملی‌شدن نفت نگاه نکرده است (Sedghi:2007)^۲ مقاله دیگری که به «نقش روسپیان شهر نو در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲» پرداخته است نیز همچنان که از عنوانش پیداست، زنان سهیم در کودتای علیه دولت ملی مصدق را پررنگ کرده است. (لعل شاطری- وکیلی ۱۳۹۵: ۶۱)

نزدیکترین پژوهش به این تحقیق مقاله‌ای است با عنوان «تاریخ‌نگاری فرودستان از دریچه آرشیو اسناد با نگاهی به اسناد کنش‌گری زنان در ملی‌شدن نفت» (معتقدی ۱۴۰۱) که همان‌طور که از عنوانش پیداست به معرفی اسنادی در این مورد پرداخته است.

۳. زنان در میدان (کار مزدگیری- آگاهی سیاسی)

در طول تاریخ جهان، زنان از حقوق شهروندی برابر با مردان برخوردار نبودند، آنان تحت تاثیر فرهنگ مسلط مردانه، محدودیتهای بسیار داشتند که خود نیز آنها را پذیرفته بودند. زنان تحت فشار افکار عمومی به سوی مشاغلی می‌رفتند که به کارهای منزل نزدیکتر و شبیه‌تر بود؛

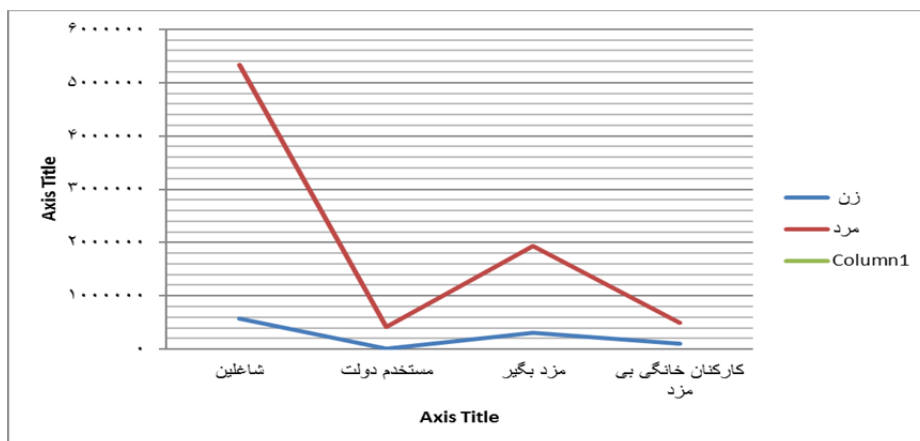
کنشگران خاموش و میدان سیاست: زنان در جنبش ملی نفت (ربابه معتقدی) ۲۹۷

کارهایی همچون پرستاری، معلمی، کلفتی و... حتی تا پیش از انقلاب صنعتی کمتر جذب کارهایی چون کارگری در کارخانه‌ها و کارگاه‌های صنایع سنگین و سبک می‌شدند. محدودیت‌های دیگری همچون پرستاری از کودکان و کهنسالان خانواده و بارداری و وظایف کدبانوگری نیز دسترسی به مشاغل متنوع را برای ایشان سخت‌تر می‌کرد. استخدام زنان به دلیل محدودیت وقت و توان ایشان در کارخانجات مورد استقبال کارفرما قرار نمی‌گرفت. گرچه گه‌گاه کارفرماها با استفاده از استخدام زنان با حقوق و دستمزد کمتر، به کارگران مرد فشار می‌آوردند تا به دریافت دستمزد پایین‌تر اکتفا کنند و به همین دلیل باز توسط هم‌تایان مرد خود در بازار کار نیز بیگانه انگاشته‌شده و به بازی گرفته نمی‌شدند.

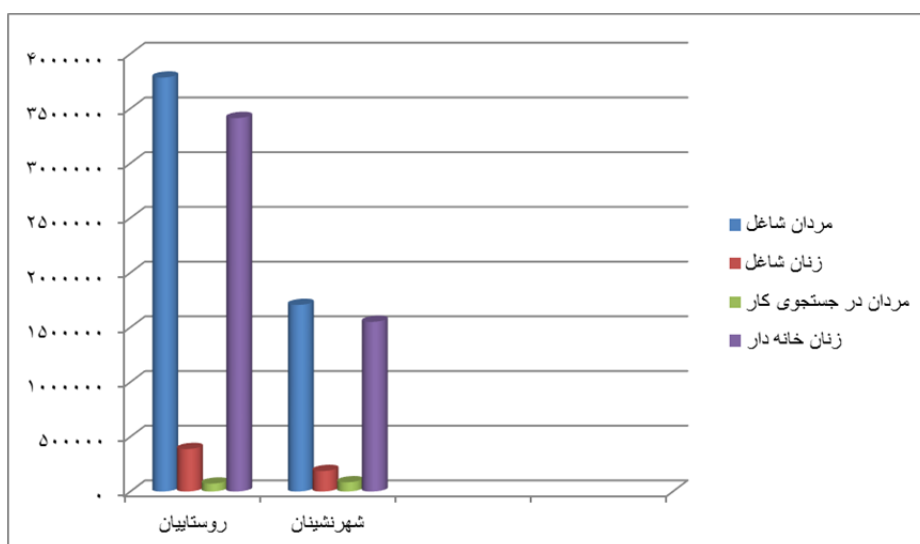
حقوق شهروندی همچون شرکت در تجمع‌ها و اعتراض‌های صنفی، عضویت در اتحادیه‌های کارگری و تصدی پستهای مدیریتی از سوی خود زنان نیز با اکراه نگریسته می‌شد. مردان کارگر نیز از حضور زنان استقبال چندانی نمی‌کردند و به دلیل ترس از واگذاری مشاغل مردانه به ایشان و راضی شدن به حقوق و دستمزد کمتر و خارج شدن از محدوده وظایف خانگی و زنانه تحت تاثیر فرهنگ فرودستی زنان نسبت به مردان با بدبینی به آنان در فضای کاری می‌نگریستند. در بهترین حالت زنان در نقش معاون و دستیار کارگران مرد ظاهر می‌شدند.

در ایران سالهای دهه ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ هنوز تعداد زنانی که کار مزدبگیر دولتی یا غیردولتی داشتند نسبت به مردان بسیار کمتر بود، بنابر آمار رسمی کشور در ۱۳۳۵ فعالیت صنعتی بر حسب جنس چنین توصیف شده است: (سرشماری رسمی ۱۳۳۵)

فعالیت صنعتی و جنس	جمع شاغلین	کارفرما	مستخدم دولت	مزدبگیر	کارکنان بدون مزد
زن و مرد ده سال به بالا	۵۹۰۷۶۶۶	۶۸۷۷۷	۴۵۰۷۸۷	۲۲۴۵۷۷۹	۵۹۴۲۳۲
مرد ده سال به بالا	۵۳۳۴۳۳۱	۶۵۱۷۶	۴۲۰۱۰۹	۱۹۴۰۳۴۰	۴۹۲۰۶۴
زن ده سال به بالا	۵۷۳۳۳۵	۳۶۰۱	۳۰۶۷۸	۳۰۵۴۳۹	۱۰۲۱۶۸



نمودار ترسیم شده بر اساس جدول فعالیت صنعتی و جنس سرشماری ۱۳۳۵



نمودار ترسیم شده بر اساس داده‌های سرشماری ۱۳۳۵ ش: زنان و مردان شاغل شهری و روستایی

اگرچه اطلاعات سرشماری‌ها نمی‌تواند منبع درستی از میزان مشارکت همه افراد جامعه باشد. همانطور که در نشریه انگلیسی زبان *History Workshop Journal* داده‌های سرشماری‌های رسمی را به دلیل برخی کاستی‌های جدی در میزان انعکاس مشاغل زنان در کارهای خدماتی، خانه داری و کارهای پاره وقت، فاقد ارزش حقیقی دانسته است. (Higgs and Wilkinson 2016 p 18) اگر

کنشگران خاموش و میدان سیاست: زنان در جنبش ملی نفت (ربابه معتقدی) ۲۹۹

چه تفاوتی معنادار میان نسبت زنان و مردان و بیکاری زنان و مردان در روستا و شهر مطابق آمار سال ۱۳۳۵ به چشم می‌آید، احتمالاً از آن رو که در روستا زنان هم مشغول کشاورزی و صنایع دستی و دامداری بودند. در حالیکه در شهرها مردان اغلب تنها سرپرست و نیروی فعال اقتصادی مزدبگیر خانواده بودند. اما این تفاوت نمی‌تواند تعبیری از بیکاری حقیقی و دوری زنان از مسائل روز باشد. همچنان که اطلاعات موجود در اسناد و مدارک و روزنامه‌های بجا مانده که در این مقاله از آنها مدد گرفته شده است، نشانگر این ادعا هستند. (بنگرید به عبدالمهدی ۱۳۹۸: ۱۳۴)

۴. نمونه‌های موردی از حضور زنان در جنبش ملی‌سازی نفت

در فاصله جنگ جهانی اول تا دوم طبقه کارگر صنعتی ایران اهمیت فزاینده‌ای یافته بود. بیکاری پس از جنگ به دلیل رشد شهرها در زمان جنگ بسیار افزایش یافته بود. در این دوران اتحادیه‌های کارگری متعدد تشکیل شد اغلب اعتصابات و اعتراضات کارگری را هدایت می‌کردند (Keddie 1981: P120) بحران‌های پی در پی اقتصادی و جنگ و کاهش درآمد نفت همگی آتش فقر عمومی را شعله‌ورتر کرده و زمینه‌های اعتراض را بیش از پیش مهیا کرده بود.

۵. زنان در جنبش ملی‌سازی نفت

به باور دکتر محمد مصدق و طرفداران او منابع نفتی ایران به مردم کشور ایران تعلق داشت و همانطور که در سخنرانی خود در سازمان ملل توضیح داد:

هم‌میهنان من فاقد وسایل اولیه و ضروری زندگی‌اند و سطح زندگی آنان احتمالاً از جمله‌ی پایین‌ترین سطح زندگی در دنیاست. بزرگترین منبع طبیعی ما نفت است. این نفت باید منبع کار و غذای مردم ایران باشد. بهره‌برداری از آن باید به نحو مناسبی در اختیار صنعت ملی ما قرار گیرد و درآمد حاصل از آن باید صرف بهبود شرایط زندگی مردم ما شود... اگر استثمارگران خارجی همچنان و عملاً تمام درآمد ما را بخود اختصاص دهند مردم ما برای همیشه در شرایط فقر و بینوایی باقی خواهند ماند... (کینزر ۱۳۸۲: ۱۹۴)

بنابراین طرفداران مبارزه برای ملی‌شدن نفت، تمام تلاش خود را بکار گرفتند تا حقوق حقه مردم ایران را بازگردانند.

در طول سه سال از اعلام قانون ملی‌شدن نفت در اسفند ۱۳۲۹ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در تمام تعاملات دولت و مجلس و دربار چه در جبهه موافق و چه در موضع

مخالف، مردم نقش و حضور جدی داشتند. تلگراف‌های بی‌شماری از سوی مردم عادی و کارگران کارخانه‌ها و کارکنان ادارات در حمایت از ملی‌شدن نفت گواه این مدعاست. (آرشیو ملی ۹۱۰۲۴۵۰۹۰ همدان، ۹۵۰۳۶۴۰۷ آذربایجان ۲۹۷۰۰۰۷۴۱). حضور آنان در تظاهرات، تحصن‌ها، اعتراضات قبل از اجرایی شدن قانون ملی‌شدن نفت و هنگام خروج نیروهای خارجی از خوزستان و جشن و پایکوبی پس از بازگشت مصدق از سفر به آمریکا و سفر هیات خلع ید به خوزستان نیز در بیشتر منابع و روزنامه‌ها دیده می‌شود.

در طول این سال‌ها کارگران کارخانجات بارها در حمایت از ملی‌شدن نفت، اعتصاب کردند و کارخانه‌ها و کارگاه‌ها به تعطیلی کشیده شد. در این میان زنان نیز در اعتصابات و تجمع‌ها همراه مردان مشارکت فعال داشتند.^۳

بحران بیکاری این موضوع فقط به تهران اختصاص نداشت. کارگران کارخانه نو و کارخانه پشمباف اصفهان که از ماه‌های پیش بیکار بودند، صندوق اعانه برای خانواده کارگران اعتصابی صنعت نفت تهیه کرده و همبستگی خود را با آنان اعلام کردند. آنها که هر روز برای تعیین تکلیف بیکاری و دستمزدهای معوقه در اداره کار اصفهان جمع می‌شدند، در تاریخ ۱۹ فروردین تصمیم به تجمع در حمایت از کارگران اعتصابی نفت خوزستان و پشتیبانی از ملی‌شدن نفت گرفتند. کارگران به همراه زنان و کودکان در استانداری اصفهان تجمع کرده و سخنرانی برگزار کردند. (آرشیو ملی ۲۹۳۰۰۲۰۴۵) در روزهای ۲۴ و ۲۵ فروردین ۱۳۳۰ کارگران علیرغم ممانعت پلیس و نگهبانان کارخانه‌ها، با عنوان اعتصاب و به حمایت و پشتیبانی از اعتصاب کارگران صنعت نفت و پشتیبانی از ملی‌شدن نفت با زنان و کودکان خود به شهر آمدند،^۴ هنگامی که با مامورین دژبانی روبرو شدند که با کار گذاشتن چند قبضه مسلسل در پل خواجه و سایر خطوط ارتباطی شهر راه را بسته بودند. اعتصابیون و همراهان آنها به آب زده و از رودخانه زاینده رود عبور کردند تا به دیگر کارگران معترض بپیوندند. زنان در صف‌های جلوی جمعیت تظاهر کننده قرار داشتند. (آرشیو ملی ۲۹۳۰۰۲۰۴۳) با وجود تلاش مامورین دولتی در جلوگیری از برگزاری تجمعات مردمی، اسناد آرشیوی از راهپیمایی‌هایی پرشور در اصفهان و باقی شهرها سخن می‌گویند. در این تظاهرات نیز زنان همپای مردان حضور داشتند. زنان و کودکان در سازماندهی اعتراضات و راهپیمایی‌ها در ردیف‌های پیشین قرار گرفتند تا مانعی برای تیراندازی مامورین نظامی باشند. همچنان شاهد ابراز هیجان و شوروغوغای زنان در هنگام نطق‌های سخنرانان در تجمع‌ها در اسناد موجود هستیم. در همین ایام چندین بار زنان اقدام به تسخیر مراکز اداری استانداری اصفهان کردند تا مخالفت

کنشگران خاموش و میدان سیاست: زنان در جنبش ملی نفت (ربابه معتقدی) ۳۰۱

خود را از نحوه عملکرد نظام حکومتی ابراز کنند که با مقاومت و ضرب و شتم و حتی تیراندازی مامورین نظامی روبرو شدند (آرشیو ملی ۲۹۳۰۰۲۰۴۵)

در خوزستان هنگامی که قانون ملی شدن نفت تصویب شد، شرکت نفت برای تحریک کارگران و ایجاد بلوا و کارشکنی در ملی سازی نفت دستمزدها را کاهش داد. هنگامی که کارگران صنعت نفت در بندر معشور (ماهشهر) در مقابل اقدام شرکت نفت ایران و انگلیس در کاهش دستمزدها اعتراض و تحصن کردند، نیروی نظامی وارد عمل شد و کوشید تا با تانک و سلاح گرم شورشیان را به کار برگرداند. زنان نیز پرشور و پرتوان در حمایت از کارگران مرد ایستادگی کردند. در گزارشات تلگرافی که برای امیر علایی وزیر وقت دادگستری ارسال شده چنین آمده است:

تا این لحظه پنج نفر زن، دو کودک شیرخوار و سه پیرمرد مستقیماً به دست سرهنگ نوری فرماندار معشور کشته شده و چهل و سه زن و کودک به دستور او توسط سربازان شدیداً مجروح و مشرف به مرگ هستند... ۱۳۳۰/۱/۲۸ (آرشیو ملی ۲۹۳۰۰۵۸۷۵)

حتی هنگامی که توسط نیروی نظامی محموله آرد که باید به شهر وارد می شد، توقیف شد تا اعتصاب کنندگان به لحاظ کمبود نان در فشار قرار بگیرند و یا آن زمان که اعتصاب کنندگان را وادار کردند تا از چادرها بیرون آمده و در زیر گرمای سوزان بمانند تا اعتصاب را بشکنند، زنان در کنار مردان به اعتراض ادامه دادند. در گزارشات آماری بیمارستان شرکت نفت ایران و انگلیس بندر معشور از کشته شدگان زن و مرد این روزها مدارک و آماری موجود است که از همراهی زنان با مردان در این بحران حکایت دارد. (آرشیو ملی ۲۹۳۰۰۵۸۷۵)

آبادان نیز که بطور طبیعی در کانون وقایع ملی شدن نفت قرار داشت، همانطور که می توان انتظار داشت سهمش در اعتراضات بیش از بقیه شهرها بود. گزارشاتی از سوی مردم برای مجلس شورای ملی ارسال شده است که حکایت از اعتصابات کارگری ۲۵۰۰۰ نفری در این شهر داشت و زنان و مردانی که بر روی زمین در مقابل تانک های نظامی نشسته و راه را بر نیروهای نظامی بسته بودند. (آرشیو ملی ۲۹۳۰۰۵۸۷۵ و ۲۹۳۰۰۲۰۱۴)

در دی ماه ۱۳۳۰ در رادیوهای بیگانه خبری از تظاهرات دختران دانش آموز در میدان بهارستان و ضرب و شتم آنان منتشر شد. (آرشیو ملی ۲۴۰۰۰۴۱۸۸). همچنین دختری با نام وجیهه صحت به اتهام فروش و توزیع روزنامه جهان زنان و بیانیه ضمیمه روزنامه فردای تابناک در دی ماه ۱۳۳۱ در اصفهان دستگیر و با پرونده به دادسرا تحویل شد. بتول کلوزه ای و صدیقه رهنما نیز به اتهامی مشابه و به دلیل تظاهرات توسط مامورین کلانتری دستگیر و به

دادسرا منتقل شدند. وزارت کشور؛ استانداری اصفهان را ملزم به ارسال سوابق و پیشینه این زنان کرده و از نتیجه اقدامات دادسرا درباره آنان سوال کرد. (آرشیو ملی ۱۶۵۲/۰۰۱۶۹۰۰۲)

در سی تیر ۱۳۳۱ با انتشار خبر استعفای دکتر مصدق و انتصاب قوام السلطنه به ریاست دولت؛ تهران و اصفهان و سایر شهرهای ایران شاهد یک واقعه تاریخی بودند. اعتصاب عمومی، بسته شدن بازارها و خیابان‌ها، تظاهرات خیابانی و درگیری مردم با نیروی نظامی در بسیاری از شهرها مشاهده می‌شد. براساس گزارش روزنامه «باختر امروز» و «اطلاعات» در میدان بهارستان یک زن روی دوش زنان رفته بود و نطق می‌کرد. در میان اسامی کشته شدگان تهران نام زنی نیز به چشم می‌خورد که در اثر برخورد با تانک آسیب دیده بود. (باختر امروز ۳۱ تیر ۱۳۳۱). در کتاب قیام ملی سی ام تیر تصویری بچاپ رسیده است که نشانگر تظاهراتی از زنان آبادان با است و بر روی آن نوشته است «زنان زحمتکش آبادان پایه پای مردان در مبارزه شرکت داشتند» (ترکمان: ۳۳۹)

تعداد بسیاری از مردم شهرهای دیگر نیز در این روز در درگیری با نیروی نظامی زخمی یا کشته شدند. مردم کرمانشاه که تا این زمان نقش جدی در اعتراضات و مبارزات ملی شدن نفت بازی کرده بودند، در واقعه سی تیر نیز همراهی و همدلی بسیار پر رنگی با طرفداران ملی شدن نفت داشتند. (هوشمند ۱۳۹۱: ۹۹) تا جایی که بیشترین حمایت از دولت مصدق در روز سی تیر پس از تهران از سوی کرمانشاه ثبت شده است. استانداری استان پنجم از بیست و نه نفر کشته زخمی در کرمانشاه اسم برده است که در بیمارستان‌های مختلف شهر بستری شده‌اند و پنج نفر که در اثر اصابت گلوله کشته شده‌اند. رخداد سی تیر کرمانشاه با برخورد خشن و خونین نیروهای نظامی به پایان رسید. باور اینکه در این روز فقط مردان در خیابان‌های کرمانشاه دست به تظاهرات و مقابله با قوای نظامی زدند، دشوار است بویژه اینکه در میان کشته شدگان سی تیر کرمانشاه دختری به نام اقدس رزازیان فرزند اسدالله نیز بچشم می‌خورد که به علت اصابت گلوله به پشتش کشته شده بود. (آرشیو ملی ۱۹۷۵/۰۰۱۹۳۰۰۲۹۳)

با سقوط دولت کوتاه قوام و بازگشت مصدق به مسند قدرت، همه استانداری‌ها موظف به ارائه گزارشی از واقعه سی تیر در شهرهای مختلف شدند. اسامی مجروحین و کشته شدگان مردمی و نیروی نظامی نیز شناسایی و ثبت شد. آنچه از کشته شدگان بدست آمد؛ فهرستی بود شامل نام نود و چهار نفر که ازین تعداد چهار نفر زن بودند. در میان اسامی مفقودین نام بتول عجمی فرزند علی اکبر نیز به چشم می‌خورد. (ترکمان ۱۳۶۱: ص ۴۶۳)

۶. حمایت تشکل‌های سیاسی زنان از ملی‌شدن نفت

تلاش زنان در قالب احزاب و تشکل‌های سیاسی در راستای ملی‌شدن نفت را نمی‌توان نادیده گرفت.^۵ با نگاهی به کارنامه فعالیت گروه‌ها و احزاب سیاسی این دوره به روشنی می‌توان ردپای زنان فعال سیاسی و نخبه در به ثمر نشاندن رخداد‌های این سال‌های پر آشوب را جستجو کرد. فاطمه سیاح، صفیه فیروز، هاجر تربیت و صدیقه دولت‌آبادی به عنوان اعضای «حزب زنان ایران»^۶ بی‌دریغ از ملی‌سازی نفت حمایت و با ملی‌گرایان همراهی کردند. بیانیه شورای زنان که در روزنامه ندای ایرانی منتشر شد، به روشنی حکایت از این همدلی دارد: «عموم هم میهنان را دعوت می‌کند که از دولت جناب آقای مصدق پشتیبانی کامل کرده تا خاتمه قضیه نفت به نفع ایران به پای جان ایستادگی و فداکاری کنند.» (ندای ایرانی ۱۳۳۰: ص ۴)

هنگامی که به دلیل تحریم از خرید نفت ایران و ایجاد ناامنی در خلیج فارس از سوی انگلستان، درآمد خارجی کشور به شدت کاهش یافته و بحران اقتصادی گریبان دولت را گرفته بود، بانک بین‌المللی بازرگانی و توسعه تلاش کرد تا میانجی‌گری کرده و در حل اختلاف میان ایران و انگلستان بعنوان یک بحران و اختلاف مالی مداخله کند، (Amy L. S. Staples 2002: Pp 397-418) ۲۸ دسامبر ۱۹۵۱/۷ دی ۱۳۳۰ تنها سه روز پیش از ورود اولین هیئت بانک جهانی به تهران، تظاهرات ۵۰۰۰ نفری علیه هرگونه حل مشکل نفت با توسل به بانک بین‌المللی برگزار شد. دولت در پی خواست عمومی با مداخله بانک جهانی مخالفت کرد. (Katouzian: 2022, p4) دولت ملی برای حل مشکل، به یک راهکار داخلی و کمک خواستن از مردم امید بست. دکتر مصدق لایحه قرضه ملی را به مجلس برد تا از محبوبیت خود و علاقه مردم به ملی‌شدن نفت استفاده کرده و همگان را به یاری بگیرد. لایحه قرضه ملی در ۱۳ مرداد ۱۳۳۰ به تصویب رسید. (زعیم ۱۳۷۷: ۱۶۷) جمعیت زنان ایران در روز ۱۷ دی ماه فراخوانی برای تبلیغ خرید اوراق قرضه ملی منتشر کرده و برای کمک به دولت مصدق دست به گردهمایی در مقابل بانک ملی زدند. سخنرانی‌های پرشور زنان این جمعیت مردم را به خرید اوراق قرضه تشویق می‌کرد. در حالی که شاه دو میلیون ریال و دکتر مصدق ۲۵۰.۰۰۰ ریال اوراق قرضه ملی خریداری کرده بودند؛ جمعیت زنان ایران در پایان این روز ۳۸۰.۰۰۰ ریال اوراق قرضه خرید و در روزهای بعد این مبلغ به ۱۸۰.۰۰۰ ریال رسید. (تهران مصور ۱۳۳۰: ۴۳۹) در همین راستا ظفردخت اردلان پیامی در رادیو تهران ایراد کرد و از زنان خواست تا با خرید برگ‌های قرضه ملی، وظیفه ملی‌خویش را به انجام برسانند. (چمنی مقدم ۲۱۴، ندای ایرانی ۳: ۱۳۳۰)

محمد ترکمان در کتاب قیام ملی سی ام تیر به روایت اسناد و تصاویر در کنار نام دانشجویان دانشگاه تهران، معلمین و فرهنگیان کشور و دیگران از نهضت زنان پیشرو ایران به عنوان صادر کنندگان بیانیه در حمایت از مصدق و مخالفت با قوام نام برده است. (ترکمان، بی تا، ۳۴۹). زنان حزب توده نیز همچنان در اثبات همراهی خود با ملی شدن نفت با سایر تشکلهای گام بر می داشتند.^۷

۷. تلاش دختران دانش آموز و دانشجویان در حمایت از ملی شدن نفت

چند ماه پیش از اعلام ملی شدن نفت در دی ماه ۱۳۲۹ تلگراف محرمانه ای از فرمانداری کل کردستان به وزیر کشور اردلان ارسال شد که از فعالیت معلمان و دانش آموزان در موضوع ملی شدن نفت و احتمال برگزاری تظاهرات هشدار داده شده بود و اردلان نامه را به نخست وزیر وقت (رزم آرا) ارجاع داد. (آرشیو ملی ۲۹۰۰۰۳۸۹۲) چند روز پیش از اعلام ملی شدن نفت، در اسفند ۱۳۲۹ در دبیرستانهای مختلف در سطح کشور تظاهرات و میتینگهایی در حمایت از ملی شدن نفت برگزار شد. ۲۴ اسفند دانش آموزان دبیرستان دخترانه انگلیسی مهرآیین در شیراز، در یکی از این گردهماییها شرکت کردند. «ایران گرگین» و چند نفر دیگر از دختران دانش آموز این دبیرستان به عنوان سرکردگان این حرکت از سوی هیئت مدیره اخراج شدند. (مصاحبه ایران گرگین ۱۴۰۰) دانش آموزان، هنرجویان و دانشجویان در اعتراض به این موضوع در جلوی شهربانی و اداره فرهنگ شیراز تحصن کرده و درخواست بازگرداندن دختران به دبیرستان داشتند. این حرکت اعتراضی سه روز ادامه داشت. ۲۷ اسفند ۱۳۲۹ از شهربانی شیراز گزارشی در این باره به وزارت کشور ارسال و کسب تکلیف شد. روز ۲۸ اسفند مدیر روزنامه پیام فارس نیز همراه با دانش آموزان و دانشجویان پس از اجتماع بی حاصل در جلوی شهربانی شیراز به مسجد وکیل رفته و در آنجا میتینگی برگزار کرده و سپس به حرکت اعتراضی در خیابان پرداختند. از ساعت ۱۶ تا ۱۹ بعد از ظهر معترضین به سخنرانی و شعار دادن در خیابان و مقاومت در برابر پلیس پرداختند. تنها با غروب آفتاب قوای نظامی شهربانی موفق به خاتمه دادن به تجمع شد. شهربانی شیراز به وزارت کشور و ستاد لشکر گزارش کرد که آنان تا آزادی دوستانشان به این تجمعهای اعتراضی ادامه خواهند داد. (آرشیو ملی ۲۹۰۰۰۳۸۹۲) در فاصله ۲۲ تا ۲۹ اسفند ۲۵ نفر از این معترضان مجروح و ۳۳ نفر بازداشت شده بودند. (مرادی خلیج ۱۳۹۶: ۳۳۸)

کنشگران خاموش و میدان سیاست: زنان در جنبش ملی نفت (ربابه معتقدی) ۳۰۵

۸. پس از کودتای ۲۸ مرداد

تا مدتها پس از کودتا نیز همچنان فعالیتهای سیاسی و شورش‌های جسته-گریخته مردم و دانش‌آموزان مدارس ادامه داشت. دبیرستان دخترانه شاهدخت در میدان بهارستان به دلیل فعالیتهای دانش‌آموزان تعطیل شد. (آرشیو ملی ۲۹۷۰۰۳۴۸۶۵) بسیاری از اعتراض‌ها به بهانه تقویت از سوی حزب توده و یا تمایلات کمونیستی با تهدید و سرکوب روبرو شدند. تعداد زیادی از معترضان با اتهام وابستگی به عوامل شوروی و حزب توده به زندان افکنده شدند. در واقع خطر اشاعه کمونیسم، که از سوی آمریکا و انگلستان نیز دامن زده می شد، فرصتی برای اخراج و تنبیه مخالفان در اختیار دولت کودتا گذاشت. (Vladislav M Zubok, Stalin: 2019)

در پایان سال ۱۳۳۲ (سوم بهمن) رییس دبیرستان دخترانه دولتی گوهرشاد تهران چهار دانش‌آموز به نامهای ۱. فاطمه حاج اسحاق ۲. فرنگیس قاضی نور ۳. کیاندخت کارتار ۴. ملیحه قنبر نژاد را به اتهام اخلاک‌گری و طبق تصویب نامه هیات وزیران از دبیرستان اخراج کرد. وزارت فرهنگ ایشان را بمدت یکسال از تحصیل در دبیرستانهای تهران محروم کرد. (آرشیو ملی ۲۹۷۰۰۳۴۸۶۵)

گذشته از موضوع ملی شدن نفت، در اعتراضات صنفی و مدنی نیز نقش زنان قابل چشم پوشی نبود. همانطور که در اعتراضات کارگران کارخانه آذربایجان در قزوین:

طبق گزارش شهربانی قزوین روز ۲۵/۳/۱۳۳۲ عده [ای] از دختران و بانوان کارگر آذربایجان به قصد تحصن در داسرا اجتماع [کردند] آقای فرماندار به اتفاق رییس شهربانی با نصایح آنان را از تحصن منصرف و شرحی کتبا به شهربانی نوشته اند هرگاه به خواسته‌های آنان توجه نشود منظور خود را عملی خواهند ساخت. متمنی است مقرر فرمایید برای حفظ آرامش شهر و کارخانجات وزارت کار با مذاکره با کارفرمایان تصمیم لازم در مورد اعتصاب کارگران کارخانه آذربایجان اتخاذ و نتیجه را امر و ابلاغ فرمایند. (آرشیو ملی ۲۹۳۰۰۰۲۰۰۵)

۹. زنان و مطالبه حقوق شهروندی (حق رای)

هنگامی که زنان و طرفداران حقوق شهروندی زنان در سال ۱۳۳۱ بیانیه ای مبنی بر تقاضای حقوق سیاسی و اقتصادی صادر کردند، موجی در مخالفت و موافقت با این موضوع براف افتاد. در بخشی از این بیانیه آمده بود: «هیچ کشوری مادامی که زنان را کنار گذاشته نمی‌تواند پیشرفت کند،

هیچ ملتی نمی‌تواند ادعای ساختن تمدن داشته باشد و از آن احساس غرور کند مادامی که زنان از داشتن حقوق مساوی با مردان محروم هستند.» بر اساس گزارش‌های منتشر شده در حمایت از این بیانیه صد هزار امضا جمع شد. نسخه‌هایی از این بیانیه به نخست وزیر وقت، دکتر مصدق و نیز نمایندگان مجلس و سازمان ملل فرستاده شد. به رغم چنین حرکتی حق رای برای زنان در لایحه‌ی مربوط به انتخابات درج نشد. تعداد زیادی از روحانیون رده بالا مصدق را از مخالفت شدید خود درباره حق رای و حق انتخاب شدن زنان مطلع ساختند و حق رای زنان را ضد اسلام اعلام کردند. (ساناساریان ۱۳۸۴: ۱۱۶) و (Kottam: 1968, Pp82-95) (Afshar: 1968)

در پایان ناچار از تکرار یادآوری ناکامی زنان از دولت مصدق هستیم. نباید فراموش کرد که دکتر محمد مصدق در ابتدای دوران نخست وزیری اش دو هدف را نشان کرده بود: اول ملی کردن نفت و دوم اصلاح قانون انتخابات. یکی از مواردی که قرار بود در قانون مورد نظر اصلاح شود، اجازه دادن به زنان برای مشارکت در انتخابات مجلس شورای ملی و برخورداری از حق رای بود. در مورد اول که ملی شدن نفت بود، تمام تلاش و همت خود را بکار بست اما موضوع حق رای زنان در طول دوران نخست وزیری وی به فراموشی سپرده شد. طومارها و عریضه‌های بسیاری گواه تلاش زنان پرستار، پزشک، معلم، کارمند و کارگر در تکرار درخواست حق رای و یادآوری این بد عهدی است. (تصویر اسناد شماره ۲)



کنشگران خاموش و میدان سیاست: زنان در جنبش ملی نفت (ربابه معتقدی) ۳۰۷

احتمالا موضع سکوت در این موضوع بنا به دلایل فراوان از جمله مخالفت گروه روحانیون و طرفداران مذهبی جبهه ملی و پرهیز از آشوب و نارضایتی در بین آنان بود. زیرا مطبوعات و اسناد گواه مخالفت گسترده ای هستند که با برخورداری زنان از حق رای صورت پذیرفت تا جایی که آیت الله حسین بروجردی، مصدق و مجلس شورای ملی را تهدید به «مهاجرت و صدور فتوایی که برای دولت گران تمام خواهد شد» تهدید کرد (آرشیو ملی ۲۹۳۰۰۰۱۰۶) و میلانی نماینده مجلس شورای ملی در بهمن ماه ۱۳۳۱ طوماری از اهالی تبریز در مخالفت با حق رای زنان جمع کرد و به دفتر نخست وزیری ارسال کرد. (آرشیو ملی ۲۹۳۰۰۰۵۱۳۲) مصدق اگر چه سیاستمداری تجدد طلب و مخالف تلاش روحانیت برای کسب قدرت سیاسی و مداخله آنان در امور اجرایی دولت بود، اما برای حفظ ائتلاف با افراد و احزاب مذهبی و حفظ جناح سنتی جبهه ملی و روحانیون متنفذ به رهبری آیت الله کاشانی از دادن حق رای به زنان خودداری کرد (مغیثی، ۱۵)

افزون بر موضوع حق رای،^۸ آنچه در گروه‌های سیاسی و طرفداران سنتی - مذهبی می گذشت، بهانه جویی و بدبینی نسبت به مشارکت زنان در رخداد‌های روز بود. کار و شغل زنان در خارج از خانه مورد انتقاد و مخالفت بسیار قرار گرفته بود. مطبوعات این سالها بارها مقالات و یادداشت‌هایی در اعتراض به کار کردن زنان و اصرار بر اخراج آنان از ادارات و دستگاه‌های دولتی منتشر کردند. (قلم مبارز ۹ مهر ۱۳۳۰: ص ۳ و ۴) مخالفت با حضور زنان در ادارات و مشاغل مختلف دولتی، یکی از برجسته ترین خواسته‌های روزنامه قلم مبارز به مدیریت عباس مقدم بود.

... ما از هیئت دولت و مخصوصا از حضرت ایت الله کاشانی تقاضا داریم بنام دین و بنام اسلام دستور فرمایند از حضور خانمها در ادارات - از نظر آن حضرت پوشیده نیست ولی ما تذکرا درخواست می نمایم - که به هیئت دولت بفرمایند که خانمها را از ادارات دولتی بیرون بریزند...

همچنین فعالیت زنان در مسایل سیاسی و انتخابات دوره ای مجلس شورای ملی را به تمسخر گرفته و زنان را بازیچه دست سیاست می دیدند (قلم مبارز ۱۳۳۰: س ۱، ش ۱)

۱۰. نتیجه‌گیری

با تکیه بر اسناد و مدارک آرشیوی که نمونه‌هایی از آن در این نوشتار مورد استناد واقع شد، حضور آشکار و پنهان گروه‌های مختلف زنان در اعتراضات مردمی پیش و پس از ملی شدن نفت به نمایان است. تاریخ شاهد حمایت تشکل‌های سیاسی زنان از ملی شدن نفت در سال ۱۳۲۹ و مشارکت زنان کارگر و کارکنان دولت در اعتراضات و اعتصابات این سالهاست. همچنان که تلاش دختران دانش‌آموز و دانشجو در حمایت از ملی شدن نفت در سال ۱۳۳۰ انکارناپذیر بوده و نقش زنان به عنوان بخشی از جامعه در رخداد سی تیر ۱۳۳۱ و سپس در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و دستگیری‌های پس از آن؛ در این مقاله تا حد امکان بازنمایی شد. روشن است که فرضیه عدم مداخله زنان در وقایع سیاسی و اجتماعی سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ و در مسیر ملی شدن نفت، بی اعتبار است. آنان به یقین در این جریان حضور فعال داشته‌اند؛ اما مورخان و پژوهشگران بنا به دلایل گوناگون آنان را نادیده انگاشته و در روایات خود به حاشیه رانده‌اند.

زنان همچنان به عنوان نیمی از مردم اگرچه بدعهدی دیدند، اما حضور خودشان را از تجمعات مدنی و پشتیبانی از سیاست ملی شدن نفت دریغ نکردند. در تظاهرات و اعتصابات هم‌دل و همراه بودند و وظایف ملی و شهروندی خود را بخوبی انجام دادند. هرکدام از گروه‌های کنشگر و احزاب و سیاست‌ورزان این دوره که با اقبال روبرو نمی‌شدند با قهر و انزوآگزینی و مخالف‌خوانی تغییر شیوه دادند، اما زنان بعنوان جماعتی از کنشگران سیاسی با مداومت و مقاومتی جانانه این بحران را همراهی کردند و عقب‌نشستند. اگرچه زنان از دولت ملی مصدق پشتیبانی کردند اما در طول سه سال حضور وی تغییری در وضعیت آنان اتفاق نیفتاد. در این میان به نظر می‌رسد گروه‌های زنان، همان موضعی را دنبال می‌کردند که احزاب کاملاً مردانه‌ای که به آنها وابسته بودند، در پیش گرفته بودند.

اگرچه دلایل و مستندات بسیار بیشتری در اسناد و مدارک وجود دارد که به روشنی نشان از نقش زنان در ملی شدن صنعت نفت و مشارکت آنان در اعتراضات مدنی دارد، آنچه گفته شد به عنوان مشتی از خروار می‌تواند راهگشا باشد. مسلم این است که مردم در قیام ملی شدن نفت بسیار قدرتمند عمل کردند و زنان نیز به عنوان بخشی ازین مردم در میدان بوده‌اند، که از نگاه پژوهشگران تاریخ پنهان مانده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به مقاله: فصیحی، سیمین. (۱۳۸۸). از تاریخ مردان نخبه تا تاریخ زنان فراموش شده، علل تاخیر در پیدایش تاریخ نگاری زنان. فصلنامه تاریخنگاری و تاریخنگاری، س ۱۳۸۸، ش ۲، ص ۴۳-۶۸.
2. Sedghi Hamideh 2007 Women and Politics in Iran Veiling, Unveiling, and Reveiling. Published in the United States of America by Cambridge University Press, New York.. Information on this title: www.cambridge.org/9780521835817
۳. اگر بپذیریم که «مشارکت سیاسی هرگونه عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره ای یا مستمر، شامل بکارگیری روشهای مشروع یا نامشروع برای تأثیر بر سیاستهای عمومی، اداره امور عمومی و انتخاب رهبران سیاسی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی را در بر می گیرد.» (فاضلی، ۱۳۷۸: ۲۶۸) می‌توان ادعا کرد که زنان همچون مردان در پیش بردن جنبش ملی نفت سهم بوده و مشارکت سیاسی داشتند.
۴. اغلب کارخانه‌ها خارج از شهر اصفهان قرار داشت.
۵. همچنان که پیشتر گفته شد، یادآوری می‌شود که هدف این پژوهش پرداختن به فعالیتهای سیاسی سازمان یافته از سوی احزاب و دستجات سیاسی نیست. ارزنده است که در مقاله ای دیگر به این موضوع پرداخته شود.
۶. این حزب بعدها به «شورای زنان» مشهور شد.
۷. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به کتاب «شعبان جعفری» نوشته هما سرشار، (۱۳۸۱) لس‌انجلس، نشر ناب، چ دوم.
۸. موضوع حق زنان برای شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۴۲ در سکوت ماند تا اینکه زنان در این سال از سوی دولت اسدالله علم با هیاوو و مخالفت گسترده‌ای موفق به دریافت این حق شدند.

کتاب‌نامه

- آرشیو ملی: ۲۹۰۰۰۳۸۹۲ (گزارش حمایت و موضعگیری فرهنگیان کردستان از ملی- شدن صنعت نفت / کردستان ش ۱۳۲۹)
- آرشیو ملی: ۲۹۷۰۰۳۴۸۶۵ (اخراج چهار نفر از دانش آموزان از دبیرستان گوهرشاد تهران به دلیل- پنخش اعلامیه‌های حزب توده)
- آرشیو ملی ایران: ۲۹۳۰۰۱۰۶ (نگرانی آیت الله العظمی بروجردی و اهالی قم از موضوع قانون انتخابات و شرکت نسوان.)

۳۱۰ تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

- آرشیو ملی ایران: ۲۹۳۰۰۱۹۷۵ (شرح واقعه ۳۰ تیر در کرمانشاه)
- آرشیو ملی ایران: ۲۹۳۰۰۲۰۱۴ (اعتصاب کارگران در آبادان در اعتراض به عدم ترقی- دو تن از کارگران بدرجه سرکارگری /ش ۱۳۳۰)
- آرشیو ملی ایران: ۲۹۳۰۰۲۰۴۵ (تظاهرات کارگران اصفهان در حمایت از ملی شدن نفت)
- آرشیو ملی ایران: ۲۹۷۰۰۰۷۴۱ (تلگراف‌های فرهنگیان از شهرستان‌ها و جامعه لیسانسیه‌های دانشسرای عالی در همکاری با دولت جهت ملی شدن نفت)
- آرشیو ملی ایران: ۹۱۰۲۴۵۰۹۰ مرکز همدان. (اعلام حمایت بازرگانان و اتاق بازرگانی همدان از دولت دکتر مصدق و نهضت ملی و ایجاد کارخانه و تولیدات محصولات کشاورزی)
- آرشیو ملی ایران: ۹۵۰۳۶۴۰۷ مرکز آذربایجان. (طلاعیه‌ها و تلگرافات مردم، بازاریان، اصناف و روحانیون شهرهای آذربایجان از جریان ملی شدن نفت و دکتر محمد مصدق)
- آرشیو ملی ایران: ۲۹۳۰۰۵۸۷۵ (اعتصاب کارگران شرکت نفت به علت عدم پرداخت حقوق آنان توسط شرکت مذکور)
- آرشیو ملی: ۲۹۰۰۱۶۵۲ (بیانیه‌های اعتراض آمیز سازمان زنان ایران نسبت به محرومیت- بانوان از شرکت در انتخابات و گزارش تعیین نمایندگان کارگران کارخانه‌های اصفهان.)
- آرشیو ملی: ۲۹۳۰۰۱۰۶ (نگرانی- آیت- الله العظمی بروجردی و اهالی- قم از موضوع قانون انتخابات و شرکت نسون.)
- آرشیو ملی: ۲۹۳۰۰۲۰۰۵ (اعتصاب کارگران قزوین در اعتراض به کمبود دستمزد، به تحریک- جمعیت- آزادی مردم و حزب توده/ش ۱۳۳۲)
- آرشیو ملی: ۲۹۳۰۰۵۱۳۲ (طومار بانهر) هیئت مهدیه- و جمعیت- امر به معروف و نهی- از منکر) در مورد مخالفت با شرکت زنان در انتخابات.)
- آرشیو ملی: ۲۹۳۰۰۲۰۴۵ (تظاهرات کارگران اصفهان در حمایت از ملی شدن نفت، فعالیت حزب توده) اداره کل آمار عمومی، خلاصه گزارش سرشماری عمومی کشور در سال ۱۳۳۵، جلد ۱ و ۲، تهران، وزارت کشور، ۱۳۳۹ و ۱۳۴۰.
- باختر امروز، ش ۰۸۶۷، ۳۱ تیر ۱۳۳۱
- باقی، عمادالدین (۱۳۸۳). پیشنهادان جنبش: سیری در نقش اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران. روزنامه شرق: ۱۴ / ۱۰ / ۱۳۸۳
- ترکمان دهنوی، محمد (۱۳۶۱) قیام ملی سی ام تیر به روایت اسناد و تصاویر. تهران، کتابفروشی دهخدا.
- ترکمان، محمد: (بی تا) تهران در آتش، کابینه قوام و حوادث سی تیر.
- تهران مصور، ۱۳۳۰: ۴۳۹

کنشگران خاموش و میدان سیاست: زنان در جنبش ملی نفت (ربابه معتقدی) ۳۱۱

چمنی مقدم، مصطفی. سلیم، محمدنبی. حسنی، میرزامحمد: ملی‌گرایی و جنبش زنان ایران (۱۳۴۲) - ۱۲۸۵ش) پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام.

حاجیان؛ هایده: «پژوهشی جامعه‌شناختی درباره نقش و مشارکت زنان در جنبشها و تحولات اجتماعی ایران از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی» ۱۳۷۹. دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم اجتماعی و روان‌شناسی. پیوند ثابت: <http://dl.nlai.ir/UI/Permalink/209347>

زعیم، کوروش (۱۳۷۷)، جبهه ملی ایران. تویسرکان، نشر تاخ.

ساناساریان، الیز (۱۳۸۴) جنبش حقوق زنان در ایران، طغیان، افول و سرکوب از ۱۲۸۰ تا انقلاب ۵۷. مترجم نوشین احمدی خراسانی. تهران، نشر اختران.

سرشار، هما (۱۳۸۱) شعبان جعفری. لس‌انجلس، نشر ناب، چ دوم.

شیرودی، مرتضی (۱۳۸۶) نقش سیاسی اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران. نشر زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق.

عبداللهی، محمدجواد (۱۳۹۸) ناکارآمدی سرشماری عمومی سال ۱۳۳۵ش در احصای بیکاری؛ نمونه‌ای از نسبت آمارهای اقتصادی با امر واقع تاریخی. دوفصلنامه پژوهش‌های علوم تاریخی، سال ۱۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸.

فاضلی، عبدالرضا (۱۳۷۸). «مشارکت سیاسی و احزاب؛ جنبه‌های نظری و پیشینه در ایران» مجموعه مقالات تحزب و توسعه سیاسی، کتاب دوم، تهران، همشهری.

فصیحی، سیمین و مریم نوری امیرآبادی (۱۳۸۹): نقش دوگانه حزب دمکرات ایران در مشارکت سیاسی زنان. فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، سال بیستم، دوره جدید، شماره ۶، پیاپی ۸۵

فصیحی، سیمین (۱۳۸۹). حقوق شهروندی در عریضه‌های زنان مشروطه. تاریخ ایران. پاییز ۸، شماره ۸، پیاپی ۶۵-۶۶.

فصیحی، سیمین (۱۳۸۸). از تاریخ مردان نخبه تا تاریخ زنان فراموش شده، علل تاخیر در پیدایش تاریخ نگاری زنان. فصلنامه تاریخنگاری و تاریخنگاری، س ۱۳۸۸، ش ۲، ص ۴۳-۶۸.

قلم مبارز، مدیر مسئول و صاحب امتیاز منصور اسلامی. س ۱، ش ۱، سه شنبه ۹ مهر ۱۳۳۰

کینزر، استیفن (۱۳۸۲). همه مردان شاه. ترجمه شهریار خواجهیان. تهران، نشر اختران. ص ۱۹۴.

لعل شاطری، مصطفی، وکیلی هادی (۱۳۹۵). نقش روسپیان شهر نو در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲. گنجینه اسناد، ۲۶ (۱)، ۶۰-۸۱

محمدی اصل، عباس (۱۳۸۹): جنسیت و جغرافیا. تهران، انتشارات گل آذین.

مرادی خلیج، محمدهدی (۱۳۹۶)، شیراز در دوران نهضت ملی شدن نفت، تهران، انتشارات کویر. ص ۳۳۸.

مصاحبه با ایران گرگین. اسفند ۱۴۰۰. آرشیو شخصی ربابه معتقدی.

۳۱۲ تحقیقات تاریخ اجتماعی، سال ۱۳، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

معتقدی، ربابه. (۱۴۰۱). تاریخنگاری فرودستان از دریچه آرشیو اسناد با نگاهی به اسناد کنشگری زنان در ملی شدن نفت. تاریخ نگری و تاریخ نگاری، - .doi: ۱۰.۲۲۰۵۱/hph/۱۴۸۵.۳۴۴۲۰.۲۲۰۲۲

مغیثی، هایده: (بی تا) روییدن از گور مفاهیم کهنه؛ زنان و تجربه تجدد در ایران قرن چهاردهم. نقد اقتصاد سیاسی، درسهای یک قرن.

مقدم، ولتاین: کارگران زن ایران، تاریخ کارگران زن در ایران عصر جدید. ترجمه یزدان فرخی. ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، زمانه. سال پنجم شماره ۴۸ شهریور ۱۳۸۵

هوشمند، احسان. (۱۳۹۱). قیام سی تیر مردم کرمانشاه بررسی پرونده یک خیزش، فصلنامه گفتگو، ش ۶۱، ص ۷۷-۹۹.

ندای ایرانی، ۱۳۳۰: ۴

ندای ایرانی، ۱۳۳۰: ۳

- Amy L. S. Staples, (2002) Seeing Diplomacy through Banker's Eyes: The World Bank, the Anglo-Iranian Oil Crisis, and the Aswan High Dam, *Diplomatic History*, Volume 26, Issue 3, July 2002, Pages 397-418.
- Ashrafi, Mehdi "Development and Transformation of political parties in Iran, ۱۹۷۵-۱۹۴۱ PhD . diss., Claremont Graduate School, ۱۹۷۷, Elwell -Sutton" ,Political Parties in Iran "Richard History Workshop Journal Issue 81. The Author: Edward Higgs and Amanda Wilkinson. 2016. Published by Oxford University Press. Women, Occupations and Work in the Victorian Censuses Revisited. P18
- Hoshmand, Ehsan: () Geyam-e 30 Tir & Mardom-e Kermanshah, Faslnameh Goftogoo. No61, PP77-99.
- Katouzian ,Homa (2022): The Anglo-Iranian oil crisis revisited: Irans rejection of the Word Bank intervention and the 1953 coup, *British Journal of Middle Eastern Studies*, DIO:
- Keddie, Nikki (1981): *Modern Iran, Roots and Results of Revolution.*, first published 2003 by YaleUniversity Press. This Updated Edition published 2006 by Yale University Press.
- Rowbotham, Sheila (1976): "Hidden from History: Rediscovering Women in History from the 17th Century to Present" VINTAGE BOOKS EDITION, February 1976. A Division of Random House, New York.
- Sedghi, Hamideh(2007)Women and Politics in Iran Veiling, Unveiling, and Reveiling.Published in the United States ofAmerica by Cambridge University Press, New York, Information on this title:www.cambridge.org
- Spivak, Gayatri Chakravorty: (1397/2018), "Can the subaltern speak?" reflections on the history of an idea, Translated by A, Karimi. Tehran: Published by Falat. [Persian]
- Sutton, Elwell "Political Parties in Iran". Richard W. Cottam, "Political Party Development in Iran" *Iranian Studies* 1 (Summer 1968): 82-95

کنشگران خاموش و میدان سیاست: زنان در جنبش ملی نفت (ربابه معتقدی) ۳۱۳

Vladislav M Zubok, Stalin (2019) Soviet Intelligence, and the Struggle for Iran, 1945–53. Published in: Diplomatic History, November 2019. Extract. Vol 15. No 29 . P239-214

W. Cottam, "Political Party Development in Iran" Iranian Studies 1 Summer 1968., Published in: Diplomatic History, November 2019. Extract

Women, Occupations and Work in the Victorian Censuses Revisited. Edward Higgs and Amanda Wilkinson.